

## اندر باب تلویزیون نور و چند سخن دیگر

نبنشته تحلیلی خواهر مبارز و با احساس، محترمه ملالی موسی نظام تحت عنوان "تلویزیون نور و وحدت ملت افغان" را مطالعه نموده و به احساس پاک و قلم بران شان آفرین و احسنت میگویم. آنچه اندر باب تلویزیون های داخل و خارج از کشور گفته شده و میشود هنوز، گاهی از کوه مسؤولیت های ایمانی و وجدانی دستگاه های نشراتی افغانی است که پابندی به آن مسؤولیت های عظیم، وجدان سالم و عقل سلیم بکار دارد که با تأسف کمتر بدان توجه صورت گرفته است.

یکی از نکات باریک، اما نهایت مهم که در داخل کشور تلویزیون های شخصی و خصوصی، یا به آن کمتر توجه میبذول داشته و یا هم اصلاً وقتی بر آن نه نهاده اند، استفاده از لغات و کلمات غیر معمول و نا مروج در افغانستان میباشد. با جرئت گفته میتوانیم بعضی از تلویزیون های داخل کشور چون به وسیله منابع خارجی تمویل میگردند، آن نکات باریک و نهایت ارزشمند را عمداً نادیده میگیرند و آنچه به مسؤولین تلویزیون های وابسته به اجانب دستور داده شده و در اختیار شان قرار داده میشود، همان ها را از ورای تلویزیون های شان به مردم تلقین می نمایند که این خود یک خیانت ملی محسوب میگردد.

بطور نمونه میتوان از چند لغت و اصطلاح نامانوس نام برد که در گذشته های دور و نزدیک در کشور ما مورد استفاده نداشته اند:

(ویژه) که هرگز در افغانستان مورد استفاده نبوده است. لغت درست دری آن (خاص) است. همینگونه است (به ویژه) که صورت درست و مورد استفاده عام آن (بخصوص) است.

(همایش)، (هواپیما)، (شهر دار)، (خوانش)، (پرونده)، (داستان)، (دادستان کل)، (دادستانی) و...، لغات اصیل دری و مورد استفاده عام این اصطلاحات ایرانی، در افغانستان عبارتند از: (گردهم آبی)، (طیاره)، (شاروال)، (قرانت)، (دوسیه)، (خارنوال)، (لوی خارنوال)، (محکمه) و....

البته باید خاطر نشان نمود که در داخل افغانستان، تلویزیون (طلوع) و تلویزیون آریانا (مربوط به آقای احسان الله بیات) و بعضاً و گاهی هم تلویزیون به اصطلاح ملی (RTA)، و در خارج از افغانستان رادیو و سایت دری (بی بی سی)، که یک مشت افراد فروخته شده و زیر دار گریختگی مامور و مسؤول اخبار دری آن دستگاه نشراتی هستند، با دقت تمام مامور گردیده اند تا به این کار سخیف دست یازیده و فرهنگ و زبان اصیل افغانستان را به کجراهه رهنمون گردند. تلویزیون نور در امریکا (مربوط به آقای احسان الله بیات) نیز از این قافله عقب نمانده و صبح و بیگاه و شام و پگاه مشغول همین وظیفه ننگین است. ولی و اما نظر بگفته مشهور "عیب می جمله چو گفتمی، هنرش نیز بگوی"، باید از حق نگذریم که تلویزیون های آریانا و طلوع در داخل کشور نشرات و برنامه های خوب و قابل قدر نیز برای هموطنان عرضه میدارند که درخور ستایش اند. از آن جمله میتوان از برنامه فوق العاده ارزشمند "قصه های جنگ" و "حقیقت"، در تلویزیون آریانا نام برد که (قصه های جنگ)، با همان متانت و مقاومت، دلبرانه به پیش میرود و اما با هزاران درد و دریغ که (حقیقت) را نامردانه و زبونانه، گلو بریدند و دیگر "حقیقت" از تلویزیون آریانا قابل نشر و پخش نیست و زیر ساطور سانسور و ارتجاع، قصابی شده است.

تلویزیون (طلوع) نیز چند برنامه قابل قدر دارد که از آن جمله میتوان از پروگرام بسیار جالب و ارزشمند و درخور هزاران ستایش "مهمان یار" نام برد. و اما درمورد تلویزیون نور منتشره امریکا، متأسفانه گفته مشهور بالا صدق نمی کند و این کمترین کوچکترین هنری در آن دم و دستگاه نمی بینم.

هرچند ناگفته نباید گذاشت که تلویزیون نور در شمال کلیفورنیا از همان بدو تأسیس و از آغاز نشرات تا فرجام آن، در بین افغان های مقیم امریکا به یک تلویزیون خنثی شهرت بهم رسانیده بود که هیچ هدف و مرام ملی و میهنی در آن به مشاهده نمی رسید. با تأسف که در فردای سقوط این دستگاه خنثی، جناب (احسان الله بیات)، آن دم و دستگاه ای گم کرده راه را خریداری نموده و بدون کوچکترین تغییر در پروگرام ها و در شکل و ماهیت آن، نشرات آنرا دوباره فعال ساخت و هیچگونه تلاش و کوششی هم صورت نگرفت تا یک اندازه ماهیت ملی و وطنی به آن بخشیده شود.

هرچند گفته میشود که باری آقای بیات کوشیدند تا از ساعات پروگرام های داکتر فرید یونس در تلویزیون نور، بکاهند و پروگرام های وی را بجای دوساعت، به یک ساعت در هفته تقلیل دهند که همین تصمیم جناب شان عملی گردیده و باعث پرخاش و عصبانیت و داد و فریاد داکتر فرید یونس در پروگرام زنده تلویزیونی گردیده و جناب شان با عصبانیت سندیوی تلویزیون را ترک گفته اند. اما قراریکه چند ماه قبل مشاهده شد، داکتر فرید یونس مدعی

گردیدند که آقای بیات به آنها پیشنهاد نموده اند تا جهت اجرای پروگرام های شان به ایشان بصورت ماهوار معاش بپردازند، که البته بگفته آقای یونس، جناب شان معاش پیشنهادی را رد نموده و نپذیرفته اند. الغیب و عند الله. اینکه چرا آقای بیات خواسته اند به آقای فرید یونس معاش ماهوار بپردازند، پرسشی است که باید جناب بیات پاسخ گویند. از جانب دیگر چرا هردو تلویزیون مربوط به آقای احسان الله بیات، در داخل و خارج از کشور در راه تفرقه اندازی و ایجاد فضای مکدر بین افغانی کوشا هستند و چرا در صدد مروج ساختن اصطلاحات ایرانی در افغانستان ویرانه و مارگزیده بوده و از هیچگونه سعی و تلاش در زمینه خودداری نمی ورزند و صد ها و هزاران پرسش دیگر، جناب بیات مکلف اند تا به ملت پاسخ گویند.

برگردیم به تلویزیون بی نور و بی نمک شمال کلیفورنیا. "جناب بیات" از نشرات بی پایه و بی مایه و غیر ملی و کاملاً خنثی آن چه هدفی را دنبال میکنند؟ همچو تلویزیون را که در بیست و چهار ساعت نشرات آن، حتی یکبار هم نامی از افغانستان در پروگرام های آن برده نمیشود و اگر گاهگاهی هم میشود، افرادی چون "فرید یونس" با دیده درائی مشغول تفرقه اندازی و ایجاد جو بی اعتمادی بین هموطنان در خارج از کشور گردیده و هموطنان ما را تحقیر و توهین می نماید، چه خدمتی به وطن و هموطن دور از میهن انجام میدهد؟ عقل قاصر ما از فهم آن عاجز است و اگر این تلویزیون فقط و فقط یک تلویزیون تجارتي است، لطف نموده نشرات آنرا در همان حد و حدود نگهداشته و بالای خون بیوه و یتیم افغان معامله گری نکنند.

بصورت خاص همین پروگرام داکتر فرید یونس (داکتر فرید یونس شو)، آیا یک پروگرام دینی و مذهبی است یا اجتماعی و خانوادگی و یا روانشناسی و رهنمای خانواده و یاهم سیاسی؟

آیا گفته می‌توانیم که پروگرام ایشان همه جوانب متذکره را در بر گرفته و جناب شان جامع الکمالات هستند؟ آیا همین جناب جامع الکمالات در پروگرام خاص خود شان و از ورای امواج تلویزیون نور، اعلان نکرده اند که: "ما دیگر نمی گذاریم پشتون ها قوم اکثریت در افغانستان باشند."\*؟

آیا داکتر فرید یونس، خط تحمیلی و منحوس دیورند را، "یک جوک"، یا به اصطلاح وطنی خود ما، (یک فکاهی)، نگفته اند؟\*\*

بگذریم از اینکه شوهر همشیره شان (داکتر روان فرهادی) را نیز به تلویزیون بی نور و نمک در شمال کلیفورنیا فراخوانده و شاهد ادعای سخیف خود ساختند و تا توانستند چرند و پرند تحویل بینندگان دادند. در کشور ما ضرب المثلی مروج است که میگوید: "شاهد روبا کیست؟ ثم روبا".

روان فرهادی، فردیست که نماینده حکومت متحرک ربانی در سازمان ملل بود و در زمان طالبان که حکومت متحرک ربانی از پای مانده و دیگر وجود خارجی نداشت، هنوز هم به چوکی باد آورده چسبیده بود و زمانیکه اشغالگران امریکائی مشغول بمباردمان وحشتناک و بلاوقفه در سرزمین ویران و بخاک و خون غلطیده ما بودند، در پرده های تلویزیون های امریکا ظاهر میشد و با دیده درائی و سبعیت تمام از مقامات امریکائی خواهش و تمنا میکرد تا بر شدت بمباردمان شان در کشور غرقه بخون ما بیفزایند.\*\*

"فرهادی"، فرد هزار چهره و به شدت پله بین و ابن الوقت تشریف داشته و بگفته شاعر "دنیا را همه گر آب برد- (فرهادی) را خور و پف خواب برد". وی خود چون دهن باز کند، گند پراند و جفنگ و سفسطه و بیش از این ارزش تبصره را ندارد و آقای فرید یونس خسبره پیشین وی هم به همین گونه افراد ضرورت دارد.

اما برگردیم به اصل موضوع و آنهم همانا تهدید یک قوم از اقوام شریف افغانستان بوسیله (داکتر فرید یونس) است. آنچه جناب یونس در برنامه شان از ورای تلویزیون نور در شمال کلیفورنیا فرموده اند و در بالا تذکر داده شد، همان پلان شوم استعمار است که از زمین و آسمان و با تمام ساز و برگ عظیم جنگی شان، شب و روز و بلاوقفه در کشور بخون خفته ما در جریان است و جناب یونس و یک مشت افراد فروخته شده نظیر ایشان نیز وظیفه یافته اند تا از ورای امواج تلویزیون های اجیر و گردهم آئی های مشکوک، همچو اراجیفی را نشخوار نمایند. به این طبقه مردم که در بدل یک مشت پول شرف و ابروی شانرا معامله میکنند باید گفت که اربابان انگلیسی و روسی تان با تمام امکانات مالی و جنگی شان به چنین افکار سخیف شان نرسیدند و این ارمان را با خود بگور بردند و اربابان جدید امریکائی تان نیز از همین اکنون به شکست شان در افغانستان معترف اند و را فرار میجویند. افغانستان یک کشور کثیر الاقوام است و در گلستان افغانستان هر قوم و قبیله، رنگ و عطر و زیبایی و جای خود را دارد و هرکسی و یا هر کشوری خواسته باشد گلی از این گلستان چیند، با چنان مقاومتی روبرو خواهد شد که راه فرار را گم نماید. این درسی است که استعمار گران باید از تاریخ پر از نشیب و فراز افغانستان گرفته باشند و اگر هنوز هم از تاریخ نیاموخته اند، خدمت شان باید گفت:

### گر ندانی غیرت افغانیم چون به میدان آمدی میدانیم

و اما در مورد اقوام شریف افغانستان باید گفت که در روز امتحان آزادی و آزادگی، مانند همیشه و به شهادت تاریخ، همه با هم از شرف و ابرو و حیثیت و وقار و ناموس همدیگر به دفاع برخوانند خواست و از این امتحان بزرگ،

مردم سلحشور و شرافتمند افغانستان فارغ از هرگونه قوم و قبیله پرستی، پیروز و سرافراز بدرآمده اند و این رسم آبا و اجداد ما است.

گفته‌ها و افکار پلید و شوم "فرید یونس" که در بالا تذکر یافت و قلم از تکرار آن عاجز است، در مورد هر قوم و قبیله از اقوام و قبایل سرافراز و افتخار آفرین افغانستان که باشد و از هر قلم و دهانی که بیرون شده باشد، به شدت تنفر آورده و با همان عکس العمل شدید مواجه خواهد شد که جناب فرید یونس مواجه گردیدند. آنانیکه در کشور ما تخم تفرقه می‌کارند و به آتشی که بوسیله اجنبی‌ها در میهن جنگ زده ما افروخته شده، دامن میزنند، یا افراد اجیر و خود فروخته اند و یا هم مریض روانی و چه بهتر که از گوش شان گرفت و از تلویزیون‌ها بیرون پرتاب کرد تا با گند خود فضا را آلوده نسازند. بالای گندگی باید خاک پاشید تا بوی بد آن باعث آزار واذیت مردم نگردد. اگر جناب (احسان الله بیات) از ورای تلویزیون نور در امریکا همچنان به تفرقه اندازی و زهر پاشی جولان داده و جلو آنرا به زودترین فرصت نگیرد، میتوان گفت که شریک دزد و رفیق قافله اند و در این جرم و جنایت و خیانت بزرگ مستقیماً دخیل.

در مورد خط تحمیلی و منحوس (دیورند)، هرکس و هر فرد میتواند نظر خود را داشته باشد و این جرم نیست. و "داکتر فرید یونس" نیز حق دارد نظر خود را داشته باشد، اما اگر این خط فرضی و منحوس و تحمیلی را که سرنوشت ملیون‌ها انسان با آن گره خورده و بیشتر از صد سال یا یک قرن است که فامیل‌ها و خانواده‌ها را از هم‌دیگر جدا نموده و هزاران هزار مشکل و بدبختی آفریده است و...، "یک جوک"، بگوئیم، در حقیقت به ریش خود خندیده ایم و به یک کتله عظیم انسانها سخت توهین کرده ایم.

اما در همین قسمت باید خاطر نشان ساخت که سرنوشت مردمان آنسوی خط تحمیلی و منحوس (دیورند)، مربوط بخودشان بوده و تصمیم آخری با آنهاست که چه میخواهند. اما در شرایط کنونی که کشور ما بیشتر از سه دهه است که بلاوقفه زیر ضربات وحشیانه بم و آوان و توپ و تانک و طیارات گول پیکر جنگی، خورد و خمیر گردیده و حملات انتحاری و انفجارات مدهش و خانه خراب کن و...، نان جوین مردم را با خون فرزندان شان تر نموده است و یک مشت افراد زبون و فرصت طلب دمار از روزگار مردم بدر آورده و از رئیس جمهور و معاونین او گرفته تا رئیس دفتر و مشاورین بی حساب رئیس جمهور و از کاتب اوراق گرفته تا وزیر و والی و قومندان و جنرال و مارشال و از وکیل و کفیل گرفته تا...، همه و همه مشغول تاراج و دستبرد هست و بود ملت و مملکت و تاراج سرمایه‌های مادی و معنوی کشور اند و با یک سخن، در حالیکه ما از حق خود ارادیت خود محروم ساخته شده ایم و حاکمیت ملی ما از ما سلب گردیده است و اختیار خانه خویش را نداریم، چگونه باید تحت چنین شرایطی، همه را گذاشته به خط منحوس (دیورند)، بپردازیم؟

این مأمول زمانی برآورده خواهد شد که افغانستان دارای یک حکومت ملی و منتخب مردمی بوده و به معنی واقعی آن آزاد و مستقل و سربلند و دارای یک حاکمیت واقعاً ملی باشد و یک نفر خارجی مسلح در افغانستان حضور نداشته و حکومت مستقل و قوی مرکزی قادر به دفاع از سرحدات خود بوده و پولیس و اردو و ریاست امنیت آن نیز در خدمت مردم باشند. در شرایط کنونی همچو چیزی به یک رویا بیشتر شباهت دارد تا حقیقت. و اما این دلیل شده نمی‌تواند که ما "خط دیورند" را به فراموشی سپرده و یا آنرا "یک جوک" بحساب آوریم.

---

\*- رجوع کنید به نوشته محترمه ملالی موسی نظام تحت عنوان "تلویزیون نور و وحدت ملت افغان".

\*\*- همان منبع

\*\*\* رجوع کنید به آرشیف تلویزیون‌های مختلف امریکا